

جایگاه منطقی مبانی جامعه‌شناسی

غلامرضا صدیق اورعی

عضو هیئت علمی دانشگاه فردوسی مشهد

شناسی به کسانی است که پس از گذراندن درس مبانی جامعه‌شناسی، می‌خواهند درباره هر حوزه تخصصی جامعه‌شناسی، حداقل یک درس دو واحدی را بخوانند؟

در ابتدا به دو کتاب با نام «جامعه‌شناسی» اولی نوشته آنتونی گیدنز و دومی نوشته تی.بی. باتومور توجه می‌کنیم. این کتابها در ابتدا جامعه‌شناسی را معرفی می‌کنند و سپس درباره روش تحقیق در جامعه‌شناسی صحبت می‌کنند و پس از آن به نظریه در جامعه‌شناسی می‌پردازند. بعد از این چند فصل، هر کدام از فصلهای بعدی درباره یک حوزه تخصصی جامعه‌شناسی است مانند جامعه‌شناسی خانواده، جامعه‌شناسی روستایی، جامعه‌شناسی شهری، جامعه‌شناسی تغییرات اجتماعی، جامعه‌شناسی انقلاب، جامعه‌شناسی ارتباطات، جامعه‌شناسی آموزش و پرورش و ... در این کتابها فصلهایی درباره فرهنگ، جامعه‌پذیری، گروههای اجتماعی نیز وجود دارد که با واژه جامعه‌شناسی ترکیب نشده است. (مثلاً چنین تعبیهایی نیامده است: جامعه‌شناسی فرهنگ یا جامعه‌شناسی گروههای اجتماعی).

با این توضیح، مشخص است که این دو کتاب فشرده‌ای از اهم مطالب و یافته‌های جامعه‌شناسی را ارائه می‌دهد و هر فصل آن می‌تواند چکیده‌ای برای یک درس تخصصی باشد و مناسب مبتدیان نیست.

کتابهای دیگری هستند. با حجم کمتر و حتی با فصلهای کمتر. که از لحاظ طبقه‌بندی مطالب، مانند همین دو کتاب اند ولی به جای اینکه خود را «جامعه‌شناسی» معرفی کنند، بر خود نام «مبانی جامعه‌شناسی» نهاده‌اند. این امر باعث شده است که امر مشتبه شود و دانشجویان جامعه‌شناسی حتی در سطوح تحصیلات تکمیلی، چکیده‌ای از گزاره‌های جامعه‌شناختی همراه تعاریف مفاهیم پرکاربرد را مبانی جامعه‌شناسی بدانند و اساتید درس مبانی جامعه‌شناسی نیز عمدتاً به معرفی حوزه‌های اصلی جامعه‌شناسی بپردازند و در نتیجه دانشجوی مبانی جامعه‌شناسی در پایان این درس آشنایی مختصری با کلیات جامعه‌شناسی پیدا می‌کند و در این امر بین او و کسی که در رشته غیر جامعه‌شناسی درس می‌خواند فرقی نیست.

می‌توان در اینجا به طور اجمال به مهم‌ترین کتابها با این عنوان یا تدریس شده در این درس در ایران اشاره کرد که به طور ضمنی از مؤلفین و مترجمین آنها نیز قدرانی شده باشد.

ظاهراً اولین کتاب توسط دکتر یحیی مهدوی نوشته شده است. بعد از آن سالهای سال کتاب درآمدی بر جامعه‌شناسی ترجمه دکتر امیرحسین آریان‌پور

قبل از هر چیز باید به جایگاه منطقی مبانی علم در یک دانش توجه کرد، یعنی توجه کرد که مبانی علم چیست و با خود آن علم چه نسبتی دارد:

طبق نتایج بحثهای منطقی، مبانی علم، پایه‌های آن است ولی خود آن نیست. گزاره‌های یک علم، نتایج پژوهشهای یک علم اند که منطقی بر پایه مبانی آن استوارند. محتوای مبانی به تصورات و تصدیقات و به عبارت دیگر به مفاهیم و گزاره‌ها تقسیم می‌شود. این مفاهیم و گزاره‌ها، پایه هستند و گزاره‌های دیگر علم بر اساس آنها به دست می‌آید. نکات پارادایمی و گزاره‌های بی‌نیاز به اثبات - در یک علم معین - و مفاهیم و تعاریف، مبانی علم اند. البته باید تصریح کرد که وقتی یافته‌های یک علم افزایش می‌یابد و یا به نکات تازه‌ای دست می‌یابد، ممکن است تغییراتی در مبانی آن ایجاد شود، ولی ماهیت مبانی و نسبت آن با مباحث علم ثابت می‌ماند.

هدف از آموزش مبانی علم چیست؟ پاسخ منطقی این است که مبانی را آموزش می‌دهند تا مقدمه و شرایط لازم برای آموزش مطالب علم در یادگیرنده فراهم شود.

ما شاهدیم که به اکثر دانش آموزان و دانشجویان بسیاری از رشته‌های تحصیلی دو پایه واحد جامعه‌شناسی آموزش می‌دهند. باید بدانیم که هدف این درسه‌ها آموزش فشرده مهم‌ترین اطلاعات جامعه‌شناختی است تا به کارشان آید و قطعاً نباید به این گونه افراد فقط مبانی آموخت. زیرا مبانی را به کسی آموزش می‌دهند که می‌خواهد بعداً آن دانش را به تفصیل بیاموزد. پس به دانشجویان رشته‌های غیر جامعه‌شناسی باید چکیده‌ای از مهم‌ترین مسائل جامعه‌شناسی آموخت یا کلیات جامعه‌شناسی را آموزش داد و البته به تناسب رشته اصلی دانشجویان باید به برخی مطالب توجه بیشتری کرد و نیز تا حد ممکن تمام مثالها را با توجه به رشته دانشجویان و واقعیهایی که او با آنها سروکار دارد ارائه داد. مثلاً وقتی به دانشجوی حقوق، جامعه‌شناسی درس می‌دهیم تا کیدها و مثالها تفاوت دارد با وقتی که این درس را به دانشجوی اقتصاد یا مدیریت یا تربیت بدنی آموزش می‌دهیم.

کتابهای زیادی با نامهای «جامعه‌شناسی عمومی»، «مقدمه‌ای بر جامعه‌شناسی»، «جامعه‌شناسی عمومی»، «کلیات جامعه‌شناسی» و «مبانی جامعه‌شناسی» و نامهایی مشابه اینها چاپ شده است. اکنون می‌توان اولین سؤال انتقادی را پیش روی این کتابها قرار داد:

آیا این کتابها بیشتر مناسب ارائه یک دوره مختصر یا یک دوره فشرده جامعه‌شناسی به دانشجویان گوناگون است یا مناسب آموزش مبانی جامعه-

برای نیل به مراحل یادگیری شناختی باید مصداقها و نامصداقهای مفاهیم ارائه و مورد بررسی قرار گیرد و سپس با مفاهیم نزدیک به خود مقایسه و میزان جامعیت و مانعیت آنها بررسی شود و اقوال گوناگون و در عین حال مهم درباره تعریف هر مفهوم ارائه شود و مورد ارزیابی قرار گیرد

پرحجم است و بیشتر به کار منتهیان می آید تا مبتدیان. اگر نویسنده به جای گزینش، محتوا را به طور ساده می-نوشت و یا علاوه بر ارائه گزیده، نکات اصلی هر گزیده ای را به طور ساده و روان، باز نویسی می کرد به جایگاه منطقی بحث نزدیک می شد.

نکته ای باقی می ماند: اگر بخواهیم به قواعد منطقی پایبند باشیم و مبانی جامعه شناسی تدریس کنیم یا کتابی در این باره بنویسیم، چه مطالبی باید ارائه کنیم و به چه صورت؟

در ابتدا باید «موضوع جامعه شناسی» را مشخص کنیم و سپس وجودش را احراز کنیم. بعد از آن باید «قابلیت تجربی بودن» آن را نشان دهیم. ارائه گزاره های پایه - که اگر آنها را نپذیریم جامعه شناسی تجربی غیرممکن می-

شود - قدم بعدی است. در گزاره های پایه باید ابتدا سراغ گزاره های بدیهی را گرفت. البته به نظر می رسد هیچ گزاره حقیقتاً بدیهی در مبانی علم جامعه-شناسی یافت نمی شود و نگارنده سالها در جستجوی آن بوده و نیافته است و اگر گفته فلاسفه را بپذیریم که گزاره بدیهی یکی است و آن محال بودن تناقض است و نتایج آن از «ام القضا یا» حاصل می شود، پذیرش نکته یاد شده آسان می-شود. پس از آن باید از گزاره های محسوس که می توانند جزء مبانی جامعه-شناسی باشند، سخن گفت. محسوس به همان معنی که در مبحث برهان در منطق مطرح است و می تواند در مواد برهان قرار گیرد. مسلمات و مجربات نیز قابل ارائه است. علاوه بر گزاره های پایه یاد شده می توان اصول موضوعه جامعه-شناسی را نیز یافت و ارائه کرد. اصول موضوعه در یک علم معمولاً گزاره های اثبات شده در سایر دانشها است که دانش مورد بحث، آنها را عاریه می کند و مفروض می شمارد. برای مشخص کردن گزاره های پایه (شامل گزاره های بدیهی، گزاره های محسوس مسلمات و مجربات و اصول موضوعه) در علم جامعه شناسی تلاش منتشر شده ای در اختیار دانشجویان ایرانی نیست و در کتابهای موجود حتی در کتابهای مربوط به نظریه های جامعه شناسی - به آن پرداخته نشده است.

پس از آن باید مفاهیم و تعاریف ارائه شوند تا زبان اختصاصی این علم معرفی گردد. در این قسمت نیز باید مفاهیم پایه - که واضح و بی نیاز از تعریف-اند - در ابتدا مشخص و معرفی شوند و سپس با استفاده از آنها مفاهیم بعدی



معرف جامعه شناسی بوده است. کتاب مبانی جامعه شناسی ترجمه دکتر باقر پرهام پس از آن است. جامعه شناسی امروز ترجمه دکتر فرهنگ هالکویی کتابی است که پس از اینها در اختیار دانشجویان قرار گرفته است. ترجمه جامعه شناسی نوشته باتومور در همان زمان عرضه شده است. کتابی از دکتر ترابی در دانشگاه تبریز و کتابی از دکتر طیبی در دانشگاه تهران نیز در این دوره ارائه شده است که به طور محدودتر از کتب یاد شده مورد استفاده قرار گرفته است. از ۱۳۶۴ به بعد کتابهای بسیاری برای این درس ارائه شده است، ولی همگی به همین مشی بوده اند. همان طور که در این معرفی اجمالاً اشاره شد، این شیوه توسط اساتید اصلی این درس در غرب اتخاذ شده است و توسط شاگردان مستقیم و غیرمستقیم آنها در ایران و سایر جوامع گسترش یافته است.

البته دو کتاب متفاوت با اینها اخیراً ترجمه شده است که نویسندگان اصلی آن در مقدمه نوشته اند که: این کتاب را برای دانشجویان درس مبانی جامعه-شناسی در رشته جامعه شناسی نوشته ایم. کتاب ده پرسش از دیدگاه جامعه شناسی ترجمه آقای منوچهر صبوری و کتاب نظریه های بنیادی جامعه شناسی تألیف لویس کوزرو و همکارش. کتاب ده پرسش... ترکیب تازه ای دارد ولی همه دانش جامعه شناسی را به کار می گیرد تا موضوعی را روشن سازد و دیدگاه جامعه-شناسی را درباره یک موضوع و پاسخ یک سؤال بیان کند. فصل اول درباره روش علمی در جامعه شناسی است. یک فصل درباره برداشت و نگاه جامعه-شناسی به جامعه است (جامعه چیست؟) یک فصل درباره نابرابری است، یک فصل درباره آزادی در جامعه است، یک فصل درباره امکان ایجاد تغییر در جامعه است و... سبک ارائه، متفاوت با کتابهای متعارف است و ممکن است جاذبه بیشتری هم داشته باشد ولی قطعاً مبانی جامعه شناسی نیست و اگر با آثار مرسوم این درس مقایسه شود، آثار مرسوم، اطلاعات نسبتاً پایه ای تری را مطرح می کنند.

کتاب کوزرو بنا دارد مهم ترین مفاهیم جامعه شناسی را مطرح کند و از این نظر بیش از همه کتابهای مورد بحث به جایگاه منطقی «مبانی جامعه شناسی» نزدیک است ولی برای ارائه هر مفهوم به سراغ اولین مطرح کننده آن رفته است و قسمتی از متن آن صاحب نظر را آورده است. کتاب مشکل و در عین حال

هدف از آموزش مبانی علم چیست؟ پاسخ منطقی این است که مبانی را آموزش می دهند تا مقدمه و شرایط لازم برای آموزش مطالب علم در یادگیرنده فراهم شود

به دانشجویان رشته‌های غیرجامعه‌شناسی باید چکیده‌ای از مهم‌ترین مسائل جامعه‌شناسی آموخت یا کلیات جامعه‌شناسی را آموزش داد و البته به تناسب رشته اصلی دانشجویان باید به برخی مطالب توجه بیشتری کرد و نیز تا حد ممکن تمام مثالها را با توجه به رشته دانشجویان و واقعیت‌هایی که او با آنها سروکار دارد ارائه داد

تعریف گردد.

در میان کتابهای یادشده، مقدمه سوم در کتاب درآمدی بر جامعه‌شناسی اثر آگ برن و نیمکف ترجمه آریان پور - البته با دیدگاه خاص آن کتاب - تلاشی در این جهت است. برخی کتابها در پایان سعی در ارائه تعاریف کرده‌اند.

به نظر نگارنده می‌توان تعاریف را ارائه داد و در این راه چند مفهوم، پایه‌اند. اولین مفهوم پایه مفهوم رفتار *behaviour* است که باید آن را از روان‌شناسی عاریه کرد.

تعریف نهایی از رفتار - بنابر بحثهای انجام شده در روان‌شناسی - عبارت است از: حرکتی بطور خود آگاهانه یا ناخود آگاهانه بر اثر انگیزه یا محرک. اما ما آن را بدون بحث و با فرض روشن بودن در آغاز قرار می‌دهیم و براساس آن مفاهیم عمل، عمل اجتماعی و تعامل را تعریف می‌کنیم. «معنی»، «دیگری»، «مورد نظر بودن» و «دوسویه بودن»، سایر مفاهیم پایه در این چند تعریف است: اگر رفتار دارای معنی (*meaning*) باشد، و به عبارت دیگر اگر رفتار معنی -

دارا یا با معنی (*meaningful*) باشد، عمل (*action*) نامیده می‌شود. اگر عمل (*action*) انسان به سوی شخص یا گروهی دیگر جهت‌گیری شده باشد و «دیگری» در انجام دادن این عمل و نحوه آن مورد نظر باشد؛ به چنین عملی «عمل اجتماعی» (*social action*) گویند.

هرگاه عمل اجتماعی (*social action*) دو سویه باشد، تعامل نامیده می‌شود.

و سرانجام گروه اجتماعی عبارت است از افراد دارای تعامل نسبتاً مستمر با احساس پیوند.

در تعریف گروه، احساس پیوند نیز تعریف نشده و پایه است.

نکته دیگر اینکه: برای درک مناسب دانشجویان از این مفاهیم توضیحاتی لازم است و علاوه بر توضیحات برای نیل به مراحل یادگیری شناختی (طبق نظر بلوم) باید مصداقها و نامصداقهای مفاهیم ارائه و مورد بررسی قرار گیرد و سپس با مفاهیم نزدیک به خود مقایسه و میزان جامعیت و مانعیت آنها بررسی شود و اقوال گوناگون و در عین حال مهم درباره تعریف هر مفهوم ارائه شود و مورد ارزیابی قرار گیرد.

طبقه‌بندیها و بیان اقسام هر موضوع، نیز جزء تصورات است و باید در همین بخش از مبانی ارائه گردد. مثلاً گروه اجتماعی اولیه و گروه اجتماعی ثانویه یا اقسام تعامل مانند تعامل سرد و گرم یا تعامل برابر و نابرابر و ...

اکنون سؤالی به نظر می‌رسد: در توضیحات برای یک مفهوم و ارائه

مصادق و نامصداق و بیان اقسام و تفاوت آنها با هم و ارائه تعاریف متفاوت و ارزیابی و داوری در باره چند نظر در تعریف یک مفهوم و ... که همگی در مبانی تصویری قرار می‌گیرند - آیا ناچاریم گزاره‌های غیر پایه را مطرح کنیم یا می‌توان بدون ارائه نتایج تحقیقات و گزاره‌های مبتنی بر مفاهیم، مفاهیم را بیان کرد؟ هر چند جواب مثبت است و ارائه مبانی متوقف بر مسائل علم نیست ولی برای توضیح خاطر نشان می‌شود که: تلاشهای دانشمندان یک رشته قابل تقسیم به دو بخش است: بخشی که به مشاهده واقعی منجر شده است که بر اساس آن مفهومی معرفی شده یا یک تقسیم‌بندی ارائه شده است و بخش دیگری که بعد از بخش اول می‌آید و متضمن شناخت حالات و تحولات آن «واقعیت مفهوم سازی شده» است. این بخش دوم نباید در مبانی مطرح شود. با ارائه مثال سعی

بر روشن کردن این تفکیک خواهیم کرد.

فرض کنیم از مفهوم رفتار آغاز کردیم و به تدریج به مفهوم «اجتماع» رسیدیم، درباره تقسیم اجتماعها سخن از اجتماع روستایی و اجتماع شهری کردیم و یکسانیهایی عمده و تفاوت عمده آنها را نشان دادیم تا بتوانیم تعریف جامع و مانعی از روستا و شهر ارائه دهیم. اما نباید وارد بحث مرفولوژی شهر شد یا تفاوت شهرهای قدیم و جدید را مطرح کرد یا از محور اجتماعی روستایی در برخی جوامع صنعتی سخن گفت یا به چند نظریه درباره شهر اشاره کرد. یا اگر درباره خانواده تعریفی ارائه شد و تفاوت گروه خانواده با نظام خانواده و نهاد خانواده و ساخت خانواده و اشتراکهای مفهومی و تمایزات آنها بحث شد و انواع ساخت خانواده متمایز گردید، نباید درباره تحولات خانواده در جوامع صنعتی یا رشد میزان اضمحلال خانواده (طلاق) یا تأخیر سن ازدواج یا تحول در کارکردهای خانواده بحث کرد. اینجا است که مدرس مبانی جامعه‌شناسی یا نویسنده کتابی در این باره باید اشراف کامل به جایگاه و قلمرو کار خود داشته باشد و از سوی دیگر باید حزم لازم برای خودداری از مباحث جانبی و تن ندادن به توسن ذهن در اضافه‌گویی را در خود ایجاد کرده باشد و فرصت زمانی کلاس یا حجم قابل قبول کتاب را به دقیق‌تر کردن تعاریف و تقسیمات و تعیین نسبت مفاهیم به یکدیگر و ما به اشتراکها و مابه الامتیازها و مانند اینها اختصاص دهد و تسلط مفهومی دانشجویان را هدف قرار دهد.

درباره موضوع جامعه‌شناسی و گزاره‌های پایه در ابتدا اشاره شد. شایسته این است که در این باره نیز نکاتی مشابه آنچه درباره مفاهیم گفته شد، آورده شود. نگارنده امیدوار است در فرصتی دیگر به این امر بپردازد.